

## ضرورت‌ها و ظرفیت‌های

### تحقق سند چشم‌انداز

(خلاصه مقاله علمی)

ملک زایی<sup>۱</sup>

مرادیان<sup>۲</sup>

این مقاله بر نقش هرم اجتماعی در تحقق چشم‌انداز تأکید دارد؛ زیرا اگر به رابطه صحیح اجزای این هرم توجه نشود، نباید آمیدی به تحقق چشم‌انداز داشت و این برنامه نیز مانند بسیاری از برنامه‌های دیگر، در حد حرف و برنامه‌ریزی باقی مانده و قابلیت اجرایی پیدا نخواهد کرد. ساختار این هرم در شکل زیر مشاهده می‌شود:



هرم اجتماعی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

سیاستمداران باید به مشارکت جدی و فراگیر نخبگان در طراحی برنامه‌ها باور داشته باشند تا بتوانند کامل‌ترین برنامه را تهیه و اجرا نمایند. این امر سبب جلوگیری از هدر رفتن منابع ملی گردیده و باعث می‌شود نخبگان در قبال جامعه احساس مسؤلیت بیشتری کنند؛ چرا که نخبگان در سطح تصمیم‌سازی و

<sup>۱</sup> استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه باقر العلوم (ع)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری دانشکده امنیت ملی

سیاستمداران در سطح تصمیم‌گیری عمل می‌نمایند و رابطه صحیح بین این دو، باعث می‌شود تصمیمات اخذ شده، از پشتوانه علمی و نظری مستحکمی برخوردار گردد.

هم‌چنین ارتباط نخبگان با نخبگان میانی، ارتباطی مهم و کلیدی است؛ زیرا معمولاً نخبگان، به دلیل عدم ارتباط مستقیم با مردم، از درک نیازهای اصلی آنها غافل مانده و ممکن است تجویز علمی آنان، مطابق بیماری‌های جامعه نباشد، بنابراین نخبگان میانی، حلقه واسطی بین نخبگان و مردم ایجاد خواهند کرد تا از یک سو مشکلات جامعه را جهت تهیه راه‌حل به نخبگان عرضه نموده و از سوی دیگر، سخنان نخبگان را به زبان مردم برای آنان بیان نمایند.

نتیجه این هرم آن است که در یک تقسیم کار ملی، هر کس متناسب با جایگاه خویش، گامی مؤثر در تحقق چشم‌انداز بر می‌دارد. هم‌چنین، نخبگان به‌عنوان معماران و طراحان جامعه، باید طرح‌ها و برنامه‌های کاربردی متناسب با چشم‌انداز ارایه نمایند و نخبگان میانی، آن‌ها را برای مردم که عاملین و مجریان اصلی چشم‌انداز هستند، شفاف سازند.

مسئولیت عملیاتی کردن و تهیه برنامه‌های اجرایی چشم‌انداز، بر عهده نظام برنامه‌ریزی کشور است که در اینجا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، با همکاری یکدیگر باید به آن اقدام نمایند. عملیاتی شدن چشم‌انداز نیز طی برنامه‌های پنج‌ساله تحقق خواهد یافت. لیکن با وجود این که برنامه چهارم، اولین برنامه‌ای است که چشم‌انداز را تحقق خواهد بخشید، ارتباط ضعیفی بین این برنامه و چشم‌انداز دیده می‌شود.

انتقادی که از سوی کارشناسان چه در داخل و چه در خارج از مجلس به این برنامه شده، تصویب شتابان آن است. این موضوع را می‌توان از ایرادهای فراوانی دریافت که شورای نگهبان به این برنامه گرفت. لذا یکی از جنبه‌های اساسی و قابل انتقاد، عدم انطباق و همخوانی این برنامه با چشم‌انداز است. بعلاوه نتایج بررسی‌هایی که با استفاده از الگوی VEC طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۸۱ و تابع تولید مبتنی بر مطالعات برو (۱۹۹۰) با هدف پیش‌بینی رشد اقتصادی، طی سال‌های برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) و مقایسه آنها با اهداف پیش‌بینی‌شده در برنامه چهارم توسعه در زمینه رشد اقتصادی صورت گرفته، نشان می‌دهند که در صورت عدم اصلاح ساختارهای اقتصادی کشور، اهداف کمی برنامه چهارم توسعه محقق نخواهند شد.

با توجه به این که تحقق چشم انداز، جز از طریق همین برنامه‌های پنج ساله صورت نمی‌پذیرد، و اگر این برنامه‌ها تحقق نیابند، چشم انداز نیز محقق نخواهد شد؛ لذا می‌توان پیش‌بینی نمود در صورت عدم اعمال تصحیحات لازم، چشم انداز نیز به صورت کامل محقق نگردد. ضمناً از بعضی واژه‌ها و اشتراکات لفظی مثل واژه عدالت در این برنامه استفاده شده است که نمی‌توان ساز و کارهایی را که به تحقق چشم‌انداز منجر می‌شوند، در آنها دید؛ مگر این که برنامه مجدداً در دستور کار مجلس قرار گرفته و بازنگری‌های جدی در فصول و مواد آن به عمل آید.

### □ چالش‌های پیش روی چشم‌انداز

مهم‌ترین چالش پیش روی چشم‌انداز را می‌توان عدم باور نظام اجرایی و قانونگذاری، نسبت به چشم‌انداز و عملیاتی کردن آن دانست. بنابراین اراده دولت و مجلس در راستای تحقق سند چشم‌انداز، می‌تواند نقطه قوت آن تلقی گردد. گفته شده است که در تنظیم چشم‌انداز از دیدگاه صاحب نظران و کارشناسان خارج از مجموعه دولت هم استفاده شده؛ اما به نظر می‌رسد بسیاری از صاحب نظران و چهره‌های نخبه اقتصادی، مشارکت لازم را در این برنامه نداشته‌اند.

برخی کارشناسان نیز معتقدند با توجه به تغییر و تحولات روز افزون جهان، نمی‌توان افق ۲۰ ساله را به درستی پیش‌بینی کرد و در مورد آن از هم اکنون برنامه ریزی نمود. همان گونه که ۲۰ سال پیش نمی‌توانستیم شرایط کنونی جهان، همچون تغییرات ایجاد شده توسط سازمان تجارت جهانی یا تغییرات سیاسی دیگر را پیش‌بینی کنیم. از این رو از هم اکنون هم نمی‌توانیم شرایط و ویژگی‌های دو دهه آینده را حدس زده و بر اساس آن برنامه ریزی نماییم.

در تحقق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، جنبش نرم افزاری از جایگاه والائی برخوردار است و تغییر در باورها، نگرش‌ها و رویه‌ها، مستلزم یک جنبش همگانی است. در این راستا لازم است هر سه قوه در ایجاد فضای جدید و زمینه‌سازی آن انسجام رفتاری داشته و با توجه به حیطة عملکردی، وظایف محوله و قلمروهای مأموریتی خود، اقدام نمایند. قوه مقننه در بخش قانونگذاری باید تحقق این سند را تسهیل نماید؛ سپس با اهرم‌های کنترلی و نظارتی، تخمین منابع، امکانات و شیوه‌های مدیریتی و اجرا را ساماندهی کرده و در این عرصه فعال باشد. دو قوه دیگر نیز باید در حیطة وظایف خود اقدامات لازم را به عمل آورند.



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فرانسې  
پرتال جامع علوم انسانی